

تحلیل گفتمان انتقادی در فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش: تاثیر جنسیت در روابط قدرت از دیدگاه

فرکلاف

چکیده: هدف مقاله حاضر بررسی فیلم "ملی و راه‌های نرفته‌اش" از منظر تحلیل گفتمان انتقادی بر اساس رویکرد فرکلاف است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با مطالعه دیالوگ‌های فیلم در تلاش است تا به شیوه‌بروز قدرت و تاثیر جنسیت بر آن و تاثیر تفکرات سنتی و تعصبات جاهلانه بر کلام شخصیت‌های فیلم بپردازد. با توجه به تحلیل‌ها، شخصیت‌های فیلم بر اساس تحکم و انعطاف موجود در گفتار خود از طریق رفتارهای پرخاش‌گرایانه، لحن‌های خشونت‌آمیز و در شرایط عدم اعتماد به نفس و احساس عدم امنیت به ترتیب، قدرت یا ضعف کلامی خود را آشکار می‌سازند که معرف ایدئولوژی و دیدگاه جنسیتی شخصیت‌های فیلم است. نتایج حاکی از آن است که تعصبات حاکم بر خانواده، سنت‌گرایی افراطی و استراتژی‌های کلامی شخصیت‌ها که برگرفته از جنسیت آن‌هاست بر قدرت زبانی اثرگذار است. به گونه‌ای که وجود قدرت زبانی برای مردان و فقدان آن برای زنان متجلی و مشهود است. فرکلاف زبان و ایدئولوژی را در کنار هم به مثابه ابزاری جهت تحلیل انتقادی گفتمان می‌شمارد. بررسی‌ها مطابق دیدگاه وی، نشان می‌دهد که چگونه گفتار شخصیت‌های مذکور فیلم در بافت‌های خانوادگی و اجتماعی مختلف، توانسته‌است نقش تثبیت‌کننده جایگاه قدرت را ایفا کند. این پژوهش، گفتمان حاکم و غالب مردانه را با مناسبات قدرت به گونه‌ای تبیین می‌نماید که سعی دارد زبان و صدای زنانه را تحت سیطره خود درآورد. در این میان بستری وجود دارد که بستر اجتماعی جامعه و خانواده سنتی است که در حال گذر به جامعه مدرن است و این مناسبات قدرت را به چالش می‌کشد. سرانجام این جدال به شکل‌گیری آنچه می‌انجامد که محققان در مقاله به آن رسیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی، قدرت، جنسیت، دیدگاه فرکلاف، فیلم ملی و راه‌های نرفته‌اش.

تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیل روابط ساختاری سلطه، تبعیض، قدرت و کنترلی است که در زبان تجلی می‌یابند. تحلیل گفتمان انتقادی بر این امر تاکید دارد که گفتمان ابزاری در خدمت قدرت است که معمولاً درک نحوه کارکرد آن دشوار است. مقصود تحلیل گفتمان انتقادی آشکار ساختن این نحوه کارکرد است (بلومارت: ۲۰۰۵، ۲۴). این رویکرد، به زبان به مثابه کرداری اجتماعی توجه نموده، به شیوه‌هایی علاقه‌مند است که ایدئولوژی‌ها و روابط قدرت از طریق زبان ظهور و بروز می‌یابند (بیکر و الیس: ۲۰۱۱، ۲۶). در حقیقت، تحلیل گفتمان انتقادی در صدد کشف این موضوع است که زبان چگونه برای ایجاد و حفظ روابط قدرت و ایدئولوژی‌ها بکار گرفته می‌شود و چگونه آن را به چالش می‌کشد. در بررسی‌های تحلیل گفتمانی، اصولاً رویکردهای متفاوتی وجود دارد که یکی از مشهورترین آن‌ها، رویکرد نورمن فرکلایف و البته دیدگاه منتخب در انجام پژوهش حاضر است.

مقصود از انجام پژوهش‌هایی در حوزه تحلیل گفتمان بررسی روابط و فرآیندهای اجتماعی است. تحلیل گفتمان با بررسی گفتار تلاش دارد به قدرت و حتی ایدئولوژی‌های نهفته در کلام افراد پی برده و برای هر یک چاره‌اندیشی نموده و راه‌حل مناسبی پیشنهاد دهد. چه بسا گاهی افرادی در موضع قدرت بوده و با هوشمندی در استفاده از کلمات و نهایتاً گفتار خود سرنوشت زیرمجموعه‌های خود را به بهترین نحو رقم می‌زنند و بالعکس. بنابراین مطالعه‌ی کلام در عصر حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و بسیار مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته‌است زیرا به مدد نتایج حاصل از آن می‌توان برای بسیاری از انحرافات و کژی‌های اجتماعی نقطه‌ی پایانی متصور شد.

در فرهنگ ایرانی نسبت بین خانواده و سینما نسبتی چندبعدی و پیچیده است، به این معنی که همیشه سینما به عنوان یکی از مکان‌ها با سرگرمی‌های خانوادگی شناخته شده‌است. از سوی دیگر به واسطه ارزش و منزلتی که نهاد خانواده در فرهنگ ما دارد فیلم‌ها یا سریال‌های خانوادگی، مخاطبان زیادی داشته و همواره یکی از ژانرهای سینمایی پرطرفدار در ایران ملودرام‌های خانوادگی بوده‌است. پیچیدگی فهم یا منزلت خانواده در سینمای ایران ابعاد دیگری هم دارد. علاوه بر جایگاه فرهنگی و سنتی نهاد خانواده در ایران آسیب‌ها و معضلات خانوادگی نیز در واقعیت اجتماعی، قضیه‌ای

پردامنه بوده‌است و به عنوان یک مسأله جدی فردی و اجتماعی با طیف زیادی از زنان و مردان جامعه در ارتباط است. در سال‌های اخیر مسائلی مانند خیانت، ازدواج مجدد یا پنهانی به سوژه بسیاری از آثار سینمایی بدل شده‌است. اما واقعیت این است که با وجود این‌همه توجه و پرداخت سینمای ایران به مسائل خانواده و پرمخاطب‌بودن فیلم‌های خانوادگی، خود نهاد خانواده و اهمیت و کارکردهای آن کمتر در فیلم‌ها مطرح می‌شود در واقع آنچه در فیلم‌های ما بیشتر نمود پیدا کرده است رویکرد آسیب شناسانه‌ای است که شاید به دلیل قابلیت‌های دراماتیک بیشتر به سوژه بدل شده‌است. در جامعه امروز به‌ویژه در طبقه متوسط که تضاد سنت و مدرنتیه بیش از هرچیزی کانون خانواده را آماج مناقشات خود قرار داده، ضروری است که سینمای ما به برجسته‌سازی و آگاهی‌بخشی به مخاطب درباره اولویت و ضرورت صیانت و پاسداری از خانواده، توجه بیشتری داشته‌باشد.

فیلم سینمایی "ملی و راه‌های نرفته‌اش" ساخته‌ی تهمینه میلانی روایت زندگی دختر جوانی است به نام ملیحه که در خانواده‌ای به شدت متعصب و سستی بزرگ شده‌است و از جانب آنان بسیار کنترل می‌شود و مشاهده می‌شود که تنها ارتباط و حضور او در اجتماع حضور در یک خیاط‌خانه است. ملیحه دائماً از جانب پدر و برادر بزرگترش مورد تحقیر قرار می‌گیرد و در خلال این رفتارهای آزار دهنده با پسری به نام سیامک آشنا می‌شود و برای فرار از شرایط موجود در خانواده و به امید رهایی و رسیدن به آرامش موفق به ازدواج با او می‌گردد، غافل از اینکه سیامک نیز رفتار بهتری با او نداشته و دائماً او را مورد آزار و ضرب و شتم قرار می‌دهد. سیامک خود در خانواده‌ای بزرگ شده که پدر خانواده بسیار مستبد بوده و رفتارهای مشابه، با مادر سیامک داشته است. سیامک شخصیتی پارانوییدی داشته و همین مورد، موجب بسیاری از آزار و اذیت‌های او می‌شود. ملیحه سعی می‌کند به صورت تلفنی با مشاوره صحبت کند اما به عقیده‌ی بسیاری از روانشناسان آن مشاور نیز به درستی او را راهنمایی نکرده و نهایتاً موجب سردرگمی و بیراهه رفتن او گشته‌است. اکنون مسئله پژوهش حاضر آن است که چگونه می‌توان بستر اجتماعی فیلم "ملی و راه‌های نرفته‌اش" را از منظر تحلیل گفتمان انتقادی با توجه به متغیر جنسیت بازنمایی کرد. لذا سوالاتی که مطرح است عبارت‌اند از اینکه چگونه می‌توان مولفه‌ی قدرت را در قالب گفتگوی بین شخصیت‌های فیلم "ملی و راه‌های نرفته‌اش" آشکار کرد؟

چگونه جنسیت بر روی قدرت کلام شخصیت‌های فیلم تاثیر دارد؟ و توزیع یا ارتباط قدرت و جنسیت را در بستر این فیلم چگونه می‌توان نشان داد؟

فیلم "ملی و راه‌های نرفته‌اش" از این نظر می‌تواند حائز اهمیت باشد که هم محتوای فیلم جذاب و البته دردناک است زیرا که نمایشی است تمام عیار از یکی از معضلات مهم در عصر حاضر که اگرچه کمیاب‌اند اما هم‌چنان وجود داشته و بسیار آزاردهنده‌اند. از طرف دیگر می‌توان با موشکافی دیالوگ‌های بین شخصیت‌های فیلم به لایه‌های نهانی قدرت و ضعف موجود در کلام آن‌ها پی برد. این پژوهش می‌تواند برای زبان‌شناسان، محققان علوم انسانی و نیز منتقدان سینما نمونه‌ی مناسبی باشد تا آن‌ها را در مسیرشان یاری نموده و به نتایج مفیدتری برساند. در حوزه تحلیل گفتمان، پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته که هریک بر روی یک اثر هنری از جمله یک رمان، داستان، نمایش‌نامه، فیلم و یا حتی اخبار و مجلات، گفتمان‌های سیاسی و... بررسی و مطالعه انجام داده‌اند. اما موضوع مورد مطالعه‌ی این پژوهش یک فیلم جدید بوده که می‌تواند به آشکارسازی ایدئولوژی و روابط پنهان موجود در گفتار شخصیت‌های آن بیانجامد و نتایج جدیدی در بر داشته باشد.

۲. پیشینه پژوهش

۱-۲. پیشینه داخلی

بالوی و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعات خود به این نتایج دست یافتند که جامعه عرب خوزستان به‌سان دیگر ملت‌ها و اقوام با استفاده از ضرب‌المثل‌ها به بازتولید روابط بین عناصر مختلف نظام اجتماعی مانند خانواده، تبار، ازدواج، قدرت می‌پردازد و زن را به اشکال متعددی هم‌چون زن مثبت، منفی، توأمان مثبت و منفی ترسیم می‌کند. الگوی غالب در گفتمان ضرب‌المثل‌ها این است که به زن در نقش مادر و خواهر نگاه مثبتی وجود دارد اما در ضرب‌المثل‌های مبتنی بر نظام خویشاوندی و روابط قبیله‌ای، تبعیض و نابرابری جنسیتی به طرز قابل توجهی نمود می‌یابد.

سیمین‌فر و همکاران (۱۴۰۰) بیان می‌کنند از آن‌جا که قدرت حاکم بر هر جامعه‌ای گفتمان آن جامعه را شکل می‌دهد، این رویکرد می‌تواند در مطالعه چگونگی پیوند آثار ادبی با قدرت مسلط بر جامعه موثر واقع شود. آن‌ها براساس رویکرد فرکلاف،

به تحلیل گفتمان انتقادی داستان "شما که غریبه نیستید" اثر هوشنگ مرادی کرمانی پرداخته‌اند. گفتمان‌های غالب در این داستان خرافات، سنت‌گرایی، بومی‌گرایی و بی‌سوادی است. بدین منظور متن در سه لایه توصیف، تفسیر و تبیین تحلیل شده است. برای این منظور، ابتدا در سطح توصیف انتخاب واژگان، دستور زبان، انسجام متن بررسی شده، سپس در بخش تفسیر، بافت موقعیتی، نوع گفتمان و بینامتنیت مطالعه شده و در نهایت در سطح تبیین، به تحلیل متن، به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت پرداخته شده است.

سلیمی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای رمان رایحه‌الورد اثر احسان عبدالقدوس و داستان این خیابان سرعت‌گیر ندارد را بر اساس الگوی گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف بررسی کرده‌اند. هدفشان از پژوهش آن بوده است که در سایه الگوی انتقادی فرکلاف، پس زمینه اندیشه دو نویسنده بازنشاسی شود. یکی براساس اندیشه‌های مردانه‌اش و دیگری ظرافت‌های زنانه‌اش، علیه الگوهای تحمیلی مردسالارانه در جامعه، تاخته‌اند. تلاش عبدالقدوس آن است با تکیه بر واژگان متن، جامعه‌ای را بازنمایی کند که دیدگاه آن، به طور کلی نسبت به زنان و به ویژه نسبت به زنان مطلقه، نگرشی نابسامان است. هدف نهایی عبدالقدوس پس از بازنشانی شرایط نامطلوب، القای خودآگاهی زنان نسبت به شرایط خود و سپس تشویق آنان برای مشارکت و یافتن راهی برای اصلاح وضع موجود و عبور از بحران اجتماعی است؛ از سوی دیگر داستان جهانی، تصویرآفرینی از جامعه‌ای است که مردسالاری در آن، موانعی را برای زنان در دستیابی به استقلال ایجاد می‌کند و در نهایت نسبت به انفعال زنان در برابر اندیشه‌های مردسالاری، انتقاد می‌کند.

کاظمی (۱۴۰۰) در تحقیق خود با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف به چگونگی انعکاس مهم‌ترین مسائل جامعه عرب در شعر غاده السمان پرداخته‌است. با توجه به بررسی انجام شده مشخص نموده که زن و وطن دو موضوع برجسته شعر السمان هستند که با دیدی انتقادی و در بافتی فرهنگی تاریخی به تصویر کشیده شده‌اند. او سعی کرده است تا به مهم‌ترین مشکل زنان یعنی فرهنگ مرد محور حاکم بر جامعه و اثرات آن بر زندگی مردم بپردازد و آن را با دیدی انتقادی و گاه تمسخرآمیز به ورطه نقد بکشد. اعتراض به اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه، نگاه انتقادی به جایگاه زنان و بافت فرهنگی جامعه در باب زنان از مهم‌ترین موضوعات است. جنسیت، قومیت و وطن از مهم‌ترین مسائلی هستند که السمان به آن‌ها توجه

نشان داده است. کاظمی و سلمانی سیاه بلاش (۱۳۹۵) در پژوهش خود به بررسی فیلم جدایی نادر از سیمین بر اساس رویکرد فرکلاف پرداخته و مفاهیم قدرت ایدئولوژی و فرهنگ و سنت را بررسی کرده‌اند. نتایج پژوهش عدم توازن قدرت در گفتار سوزنده‌های فیلم به ویژه شخصیت‌های زن و مرد فیلم را نشان می‌دهد که در نهایت بحران‌های موجود و فضای پرتنش گفتمانی صرفاً از طریق فراباور و کتاب مقدس به گشایش گفتمانی منجر می‌شود.

زبان‌شناسان با افزودن عوامل انتقادی قدرت و ایدئولوژی به تحلیل گفتمان، مطالعه کاربرد زبان را به بافت‌های وسیع اجتماعی و فرهنگی گسترش دادند. هدف آنان کشف حقایق و نابرابری‌های جنسیتی، قومی، طبقاتی، مذهبی و غیره است که در نتیجه آن عوامل قدرت و سلطه به وجود می‌آیند. هر پدیده اجتماعی از جمله فیلم و یا رسانه‌های جمعی عرصه‌هایی است که در آن گفتمان به تولید معنا می‌پردازد. لذا می‌توان یک فیلم اجتماعی را در بافت‌های وسیع‌تر اجتماعی مورد بررسی قرار داده و نشان داد که برای تولید، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی چه معنا/معناهایی تولید شده است. آنها در این کتاب که به نقد فیلم *زن زیادی* می‌پردازد، نشان می‌دهند که کارگردان با توجه به شبکه‌های گفتمان سنتی موجود در ایران تعریفی بی‌لفافه از کنش‌گرهایش به تصویر کشیده است و با به تصویر کشیدن رفتاری زنان در مناسبات اجتماعی به کلیت نظام مردسالاری که از تفکر استبدادی تاریخ می‌آید اشاره نموده است. این کتاب در راستای تحلیل انتقادی گفتمان به تأثیر قدرت و جنسیت در گفتمان‌ها می‌پردازد. با توجه به اینکه هنوز نابرابری و تبعیض‌های جنسیتی در برخی از نقاط دنیا به چشم می‌خورد، وضعیت حاکم در این مناطق به دلایلی مردان را از قدرت بیشتری نسبت به زنان برخوردار می‌سازد. این کتاب تلاشی است برای ترسیم و تبیین برخی از منازعات معنایی میان گفتمان‌های شخصیت‌های فیلم یادشده و سرانجام این که چگونه قدرت به تولید معنا می‌پردازد و گفتمان‌های طبیعی شده چگونه در بستر زمان در ذهن افراد جامعه رسوخ کرده، به صورت عقل سلیم در می‌آیند (کاظمی و روشنائی فرد جهرمی، ۱۳۹۵).

سبیر و همکاران (۲۰۲۳)، در مطالعه‌ای مضامین انقلابی، هویتی، سنتی و فرهنگی را بررسی کرده و نشان داده‌اند که نتایج حاصل از این مطالعه بیانگر بحران هویت فرهنگی و هژمونی سفیدپوستان و رنج آفریقایی‌ها به عنوان ویژگی‌های کلیدی در گفتمان استعماری می‌باشد. زبان فقط ابزاری برای ساختارشکنی، سنت‌شکنی و تعصب‌گریزی نسبت به آفریقایی‌هاست که در اعتراض به استعمارگران در شعر مورد بررسی به کار می‌رود.

پرامیناتیه و نافیه (۲۰۲۲) عنوان می‌کنند که مطالعه آنها از نظر تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف برای تحلیل مقالات خبری در مجلات *Femina* و *Magdalene* در سال ۲۰۲۰ انجام شده است. نویسندگان به ویژه بر یافتن قدرت به مثابه یکی از مهم‌ترین جنبه‌های عملکرد اجتماعی فرهنگی فرکلاف تأکید کردند. نویسندگان تلاش کردند تا مشکلات زنان در جامعه را با فقدان قدرت به تصویر کشیده و نشان دهند که آزار و اذیتهای جنسیتی هنوز عمدتاً توسط زنان تجربه می‌شود.

بنونگویل (۲۰۲۲) تحقیقی است که بر نحوه نمایش کلیشه‌ای از زنان در تبلیغات متمرکز است. این مقاله به بررسی نقش زنان در تبلیغات الکل در فیلیپین پرداخته است. محققان به جای مرور متون گفتمانی، چگونگی مشروعیت بخشیدن به معانی و ایدئولوژی‌های مختلف از طریق رفتارهای اجتماعی را بررسی می‌کنند. این مطالعه بر اساس چارچوب سه‌بعدی فرکلاف توصیف (ویژگی‌های متنی)، تفسیر (عمل گفتمانی)، و تبیین (عمل اجتماعی) صورت گرفته است. بر اساس یافته‌ها، تبلیغات مورد بررسی نابرابری جنسیتی را ترویج می‌کنند. این مطالعه هم‌چنین هشدار می‌دهد که چگونه نقش زن ممکن است در سایر صنایع بازاریابی و تبلیغاتی با دیدی ابزاری به تصویر کشیده و شیئی‌سازی شود.

کاظمی و دالایی (۲۰۱۷) در مقاله‌ای، گفتمان جنسیتی مردان و زنان را در دو رمان (*طعم گس خرمالو* و *یک روز مانده به عید پاک*) مورد مطالعه قرار داده‌اند. آنها به بررسی رابطه قدرت زبانی و جنسیت در گفتمان شخصیت‌های داستان پرداخته‌اند. کاظمی و جعفری (۲۰۱۶) در تحقیقی نشان دادند که متون اقناعی تبلیغاتی در روزنامه‌های ایرانی از نظر جنسیتی بیشتر مردمحور هستند. در این متون از صورتهای ادبی و ابزارهای زبانشناختی خاصی نظیر استعاره، بینامتنیت، دلالت ضمنی، بزرگنمایی و جناس برای انتقال مفاهیم مورد نظر و جلب توجه مخاطب به کالای تبلیغی با توجه

به جنسیت استفاده می‌شود. همچنین تفاوت‌های جنسیتی در قالب ویژگی‌های معنایی، نحوی، آوایی، و دیگر عناصر فرازبانی خاص در تبلیغات نمود یافته و منعکس شده است.

با اندکی تأمل در آثار انجام شده فوق می‌توان دید که بیشتر این مطالعات نتایجی را در بردارند که نابرابری جنسیتی زنان و مردان را به‌ویژه در خصوص قدرت اجتماعی نشان می‌دهد که این خود می‌تواند معلول فرهنگ و سنت‌گرایی باشد. یعنی همان چیزی که دغدغه مقاله حاضر است. لذا نویسندگان مقاله با استناد به این آثار پیشین و با تکیه بر چارچوب نظری فرکلاف برآنند تا این موضوع را در فیلم ملی و راه‌های نرفته اش محک زده و به دنبال بررسی قدرت و تاثیر آن بر جنسیت زنان و مردان در جامعه سنت‌گرای فیلم باشند. امید است این مطالعات و مطالعه حاضر گامی در راستای کاهش مشکلات زنان و نابرابری‌های جنسیتی باشند.

۳. مبانی نظری

تحلیل گفتمان انتقادی بر آن است تا تاثیر متقابل زبان و ساختار اجتماعی بر یکدیگر را بیابد و سازوکار قدرت در پس کلام و اندیشه را با توجه به کارکردهای کاربردی زبان بازنمائی کند. در این رویکرد، زبان نقش محوری دارد اما توجه به بافت‌های اجتماعی_فرهنگی که کاربرد زبان در آن نهفته است نیز اهمیت بسزایی دارد. بنابراین پژوهشگران این حوزه، از نقطه نظر انتقادی ابزارهای لازم را برای تحلیل گفتمان ارائه می‌دهند. این رویکرد معتقد است عواملی هم‌چون بافت تاریخی، روابط قدرت و سلطه در نهادهای اجتماعی، فرهنگی و ایدئولوژیکی، معناهای جدیدی را به وجود می‌آورند. در ارتباط با تحلیل گفتمان، زبانشناسان مشهور بسیاری وجود دارند از جمله

فرکلاف، ون دایک، روث وداک و لاکلا^۳ که هر یک نظریات خاص خود را دارند. گفتمان انتقادی بر سازه‌گرایی اجتماعی مبتنی است. سازه‌گرایی بر این اصل بنیادی استوار است که فهم انسان نسبت به جهان پیرامون بر اساس مقوله‌بندی‌های گوناگون صورت می‌گیرد. آدمیان معانی ذهنی مختلفی به آن نسبت می‌دهند. بدین ترتیب جهان پیرامون خود را می‌سازند (لوزیک، ترجمه معیدفر، ۱۳۹۱).

یورگنسن و فیلیپس پیش‌فرض‌های فلسفی سازه‌گرایی اجتماعی را بدین شرح بیان می‌کنند که رویکرد انتقادی به دانش بدهی انگاشته شده است. دانش ما درباره جهان نباید به مثابه حقیقتی عینی انگاشته شود. واقعیت تنها به واسطه مقولات برای ما قابل دسترسی است. دانش و بازنمایی‌های ما از جهان بازتاب واقعیت "جهان خارج" نیستند بلکه این بازنمایی‌ها و دریافت‌ها حاصل مقوله‌بندی جهان توسط ما و به تعبیر تحلیل گفتمانی، محصول گفتمان هستند. ما اساساً موجوداتی تاریخی و فرهنگی هستیم. دیدگاه‌های ما درباره جهان و شناخت ما از آن محصول تعاملات تاریخی‌مند میان انسان‌هاست. در نتیجه درک ما از جهان و شیوه بازنمایی آن تاریخی، فرهنگی، تصادفی و همواره در معرض تغییر است. در قالب یک جهان‌بینی خاص، بعضی از انواع کنش‌ها طبیعی و بعضی دیگر غیرقابل تصور به نظر می‌رسند. شناخت‌های اجتماعی متفاوت درباره جهان منجر به کنش‌های اجتماعی متفاوت می‌شوند، در نتیجه ساخت اجتماعی دانش و حقیقت دارای پیامدهای اجتماعی است (جعفری: ۱۳۹۴، ۲۳).

۳-۱. برخی رویکردهای مطرح در تحلیل گفتمان انتقادی

ون دایک جنبه ایدئولوژی گفتمان را تشریح می‌کند. به باور وی، ایدئولوژی بین اعضای یک گروه مشترک است. از نظر ون دایک جنبه اجتماعی شناختی، همان شناخت اجتماعی و فردی است که واسطه میان اجتماع و گفتمان قرار می‌گیرد. لاکلا

^۳T. Adrianus Van Dijk

^۴R. Wodak

^۵-E. Laclau

و موف از طریق بازخوانی و ساختارشکنی نظریه‌های متفکرانی چون مارکس؛ گرامشی؛^۶ آلتوسر؛^۷ فوکو؛^۸ دریدا؛^۹ لاکان؛^{۱۰} سوسور و دیگران، نظریه گفتمان خود را در کتاب هژمونی و استراتژی سوسیالیستی (۱۹۸۵) شکل داده‌اند. از نظر لاکلا و موف، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید پایه گفتمانی داشته باشد. روث و داک (۱۹۸۹) در کتاب «قدرت و ایدئولوژی» که در کنار کتاب‌های دیگرش متاهی به شکل‌گیری رویکرد گفتمانی-تاریخی^{۱۱} شده است، زبانشناسی انتقادی را به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای معرفی می‌نماید که زبان را از دیدگاه انتقادی در روابط اجتماعی بررسی می‌کند. او بر به‌کارگیری روش‌های چندگانه در مطالعه زبان تاکید دارد و در همین حال بر اهمیت تشخیص جنبه‌های اجتماعی و تاریخی نیز اصرار می‌ورزد.

۱-۱-۳. رویکرد نورمن فرکلاف

الگوی نظری فرکلاف، بر این باور بنیادین بنا شده است که کنش گفتمانی، به مثابه نوعی از کنش اجتماعی، در ارتباط با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و به‌ویژه مناسبات قدرت و سلطه شکل می‌گیرد و می‌تواند در شکل‌دادن به آن‌ها و تغییر یا بازتولید و تثبیت آن‌ها مشارکت داشته باشد. فرکلاف (۱۹۹۵) معتقد است که "تحلیل گفتمان از سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین برخوردار است. هر یک از این سطوح در ماهیت متفاوت هستند. در سطح اول با ویژگی‌های زبانی و صوری متن سروکار داریم. یعنی توصیف متن (آشکارسازی گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن). در سطح دوم با فرایندهای مرتبط با تولید و مصرف متن مواجه هستیم (نشان‌دادن تعامل بین متن و بافت) و در سطح سوم ارتباط میان رویدادهای اجتماعی تعاملات با ساختارهای اجتماعی بیان می‌شود یعنی عمل اجتماعی گسترده که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد. در واقع سطح تبیین تأثیر دوسویه ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر ساختارها

*K.Marx

‡Gramsci

∕Althusser

⁄Foucault

⁵Derida

⁶Lacan

⁷Socialism

⁸Discourse-Historical Approach

است. رویکرد فرکلاف به تحلیل گفتمان به عنوان مدلی از تحلیل گفتمان انتقادی بر این فرض بنا شده است که تحلیل متن بخشی از تحلیل گفتمان است که سه عنصر متن، تعامل و بافت اجتماعی، به منزله عناصر آن تعریف می‌شوند (فرکلاف: ۲۰۰۱، ۹).

سطح توصیف تحلیل متن به مثابه متن: سطح توصیف متن یا سطح اول تحلیل گفتمان انتقادی، با تمرکز بر واژه‌ها و وجوه دستوری و تحلیل زبان شناختی متن به جستجوی ارزش‌های تجربی، ارزش‌های رابطه‌ای و ارزش‌های بیانی موجود در متن که فرکلاف آنان را ارزش‌های صوری متن می‌نامد، می‌پردازد (فرکلاف، ۲۰۰۱). او در ارتباط با این سطح، سطح توصیف متن، پرسش‌هایی طرح کرده است تا بتواند با آن در متن به جستجوی این ارزش‌های سه‌گانه بپردازد و با بررسی واژه‌ها و ساختار جمله و رابطه جمله‌ها به ایدئولوژی پنهان درون متن دست یابد. ۱-واژگان: کلمات واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ کلمات واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ کلمات واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ ۲-دستور: ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های تجربی هستند؟ ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟ ویژگی‌های دستوری واجد کدام ارزش‌های بیانی هستند؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ ۳-ساخت-های متنی: از کدام قراردادهای تعاملی استفاده شده است؟ متن واجد چه نوع ساخت-های گسترده‌تری است؟

سطح تفسیر تحلیل متن به مثابه کنش گفتمانی: فرکلاف (۲۰۰۱) در مورد سطح تفسیر یا سطح دوم تحلیل گفتمان انتقادی بر این اعتقاد است که ویژگی‌های صوری متون دارای ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای، بیانی و یا ترکیبی از این ارزش‌ها هستند. او سه ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی را با سه جنبه کنش اجتماعی، مضامین، روابط و فاعلان مرتبط می‌داند.

سطح تبیین؛ تحلیل متن به مثابه کنش اجتماعی: فرکلاف در مرحله تبیین سه پرسش را بازگو می‌کند که می‌تواند در مورد یک گفتمان معین مطرح شود: ۱-عوامل اجتماعی: چه نوعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟ ۲-ایدئولوژی‌ها: چه عناصری از دانش زمینه‌ای که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیت ایدئولوژیک هستند؟ ۳-تأثیرات:

جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی چیست؟ (فرکلاف: ۱۹۹۵، ۱۰۲).

۲-۳ گفتمان جنسیتی

محققان جامعه‌شناسی زبان، در پی کشف و ارائه شواهدی بودند که نشانه همبستگی بین ساختارهای زبانی و ساختار اجتماعی باشد. آنان معتقد بودند عوامل زبانی و غیرزبانی موثر بر ارتباط، در این زمینه اهمیت زیادی دارد. از میان عوامل اجتماعی موثر بر زبان، عامل اجتماعی جنسیت نیز نقشی مهم در بروز گوناگونی‌های زبانی دارد؛ بنابراین، نشان دادن رابطه‌ی بین زبان و جنسیت، یکی از جنبه‌هایی بود که مورد بررسی محققان جامعه‌شناسی زبان قرار گرفت. آنان معتقد بودند که جنسیت یکی از عوامل اجتماعی است که باعث تفاوت زبانی می‌شود. این تفاوت‌ها در حوزه‌های مختلف آوایی، نحوی، واژگانی و معنایی دیده می‌شود (مدرسی: ۱۳۶۸، ۱۶۰). برقراری ارتباط میان تحلیل گفتمان و مطالعات جنسیت، امری بی‌سابقه نیست. پژوهشگران بسیاری با رویکردهای فمینیستی به حوزه تحلیل گفتمان وارد شده و نسبت جنسیت و زبان را سنجیده‌اند. در این میان، برخی از پژوهشگران کوشیده‌اند با نام‌گذاری جداگانه‌ای، رویکرد خود را به حوزه‌ای مجزا در تحلیل گفتمان بدل سازند. این محققان، رویکرد خود را "تحلیل گفتمان فمینیستی-انتقادی" می‌نامند (طالبیان و همکاران: ۱۳۹۵، ۱۸). تحلیل فمینیستی-انتقادی گفتمان، یکی از شاخه‌های تحلیل گفتمان است که وجه ممیزه‌ی آن، تمرکز بر کشف و آشکارسازی روابط نابرابر قدرت جاری میان زنان و مردان در مناسبات و نظام‌های اجتماعی است. تفاوت میان تحلیل فمینیستی-انتقادی گفتمان با تحلیل انتقادی گفتمان، آن است که اولی جنسیت را در کانون توجه خود قرار می‌دهد و بر مبنای دریافت از مفهوم و نحوه‌ی شکل‌گیری جنسیت، به متن می‌نگرد. نقد جنسیتی، به سوژه‌ی زنان در ساخت زبانی و متون ادبی عنایت می‌ورزد، تا گرایش‌های آزاد زنانه و شیوه‌های سرکوب و سرخوردگی زنانگی را دریابد. در اینجا است که نوشتار زنانه می‌تواند مبین باورهای سیاسی-اجتماعی زنان باشد و تفاوت تمرکز فکری زنانه-مردانه، راجع به توزیع قدرت در سطح نوشتار به نمایش گذارد. از این زاویه، اثر ادبی ارزشمند متنی است که دست به سرکوب زن نزده و دیدگاه‌ها و بلکه مطالباتش را با شجاعت بیان کند (همان، ۱۸).

۳-۳ روش‌شناسی پژوهش

از آنجایی که مبانی نظری بابتی برای رسیدن به روش‌شناسی و تبیین مولفه‌هایی است که در مقاله به آن اشاره شده است. در انتهای این بخش به اختصار روش انجام تحقیق مشخص می‌گردد. پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. داده‌های این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و اسنادی جمع‌آوری و مورد مطالعه قرار می‌گیرند. در این بخش دیالوگ‌های فیلم مورد بررسی قرار می‌گیرند. دیدگاه فرکلاف از تحلیل گفتمان در این فیلم به این صورت بروز می‌نماید که داده‌ها به عنوان کنش‌های گفتمانی توصیف، تفسیر و نهایتاً به مثابه کنش‌های اجتماعی از لحاظ نمایش روابط قدرت میان شخصیت‌های فیلم مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرند. سعی بر آن است که با واکاوی کلام شخصیت‌های فیلم مؤلفه‌هایی از قبیل گفتمان سنتی، گفتمان جنسیتی، هژمونی و قدرت و نیز تاثیر فضای سنتی بر جنسیت سوژه‌ها بحث شود.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش، پس از بررسی و تحلیل سکانس‌های فیلم، به نمونه‌هایی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۴ تقابل گفتمان سنتی و مدرن

بیرون از خیاط‌خانه:

نیر: تو تاحالا عاشق شدی؟

ملی: نه بابا. دوس داری داداشام سرمو بذارن لب باغچه گوش تا گوش بیرن؟! می‌کشتم!

بر پایه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، در این گفتگو، متن دارای کلیتی است متشکل از مجموعه عناصر درون‌زبانی و عوامل بیرون‌زبانی که این عوامل نه تنها سازنده متن هستند (سطح توصیف) بلکه در فرایند تفسیر و تبیین آن نیز موثرند. در اینجا یک بافت گفتمانی سنتی را شاهد هستیم و دیالوگ‌ها حاکی از تعصبات افراطی، خشونت و فشار بر خانواده است. در سطح تفسیر می‌توان به ملی (ملیحه) به عنوان

دختری که در یک خانواده سنتی و متعصب بزرگ شده است پرداخت که اعتماد- به نفس پایینی داشته و خود را جنس ضعیف و در مقابل برادرانش را جنس برتر و قوی تر می‌پندارد. ملیحه ابتدایی‌ترین حقوق زنانه را برای خود قائل نبوده و ترس از برادرانش به خوبی در کلامش پیداست. عکس‌العمل متعصبانه برادرانش نسبت به احساسات طبیعی او، برآمده از تفکرات سنتی خانواده‌ای است که در آن رشد یافته‌اند و در آن‌ها نهادینه شده‌است. لذا گفتمان سنتی که بخوبی نمایان است که در این فیلم قلمرو وسیعی را در بر دارد. این گفتمان قابلیت دسترسی، مشروعیت و اعتبار بیشتری برای معناسازی نسبت به خرده گفتمان‌های دیگر برای خود کسب کرده‌است. بدین- ترتیب گفتمان‌های ضعیف‌تر از جمله گفتمان تجددگرا را حذف و طرد می‌کند. پاسخ ملی اشاره به فرهنگ و ایدئولوژی سنتی در میان اعضای خانواده دارد. نشانه‌های سنت را به سادگی در قالب واژگان و شیوه گفتاری ملی می‌توان یافت. می‌دانیم فرکلاف (۱۹۹۵: ۱۴) ایدئولوژی را ساخت‌های معنایی می‌داند که در تولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند. در نتیجه معنا در فهم ایدئولوژی اهمیت بسیار دارد. زیرا معنا در خدمت قدرت است. او با استفاده از هژمونی که نوعی اجماع است می- خواست نشان دهد که به واسطه‌ی آگاهی و بدون توسل به زور یا سلطه، می‌توان اذهان عمومی را کنترل کرد. ملی در ذهن خود واکنش احتمالی برادرانش را می‌داند. از نظر گرامشی هژمونی ناشی از قدرتی است که طبقه‌ی حاکم می‌تواند به واسطه‌ی آن طبقات دیگر را قانع کند که منافع طبقه‌ی حاکم منافع همه است. در نتیجه سلطه به واسطه‌ی زور یا حتی ضرورتاً به وسیله‌ی استدلال فعال اعمال نمی‌شود، بلکه به واسطه‌ی قدرتی پیچیده‌تر و فراگیر بر اقتصاد و ابزارهای حکومتی مانند آموزش و پرورش و رسانه‌های جمعی اعمال می‌شود، به کمک این ابزار منافع حاکم به عنوان منافع مشترک همگان ارائه می‌شود و به طبع چندان جدی گرفته نمی‌شود. بنابراین ابزار مهمی برای تداوم ثبات روابط قدرت به شمار می‌آید. در این بافت مشاهده می- کنیم مطابق آنچه دووس (۲۰۰۳: ۱۶۷) می‌گوید از طریق تولید معنا، روابط قدرت طبیعی و همسو با عقل سلیم جلوه داده می‌شود تا از نظرها پنهان بماند و قابل مواخذه هم نباشد. از این‌رو، هژمونی و تسلط برادران ملی بر او به طور غیرمستقیم دیده می- شود. هم‌چنین ضعف کلامی ملی نیز باتوجه به نحوه بیان او در شرایط عدم اعتماد به نفس و احساس امنیت می‌باشد، آشکار می‌گردد.

در ماشین سیا (هنگام سرویس جایگزین مدرسه‌ی سیا):

_ملی: خوش به حالش. اینام زندگی دارن منم زندگی دارم!

_ملی: نه به پا داره نه مثل من اگه بخواد یه حرفی بزنه باید صدبار سبک سنگینش کنه!

_سیا: خوبه دیگه. واسه همینم من تورو می‌خوام دیگه. اینا زن زندگی نمیشن که!

_ملی: نه اصلاً اینطوری نیست. بین اینا میرن دکتر میشن، مهندس میشن، پولدار میشن.

_ملی: دستشون میره توجیب خودشون!

بر اساس الگوی سه‌وجهی فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی چارچوبی کاربردی را می‌بینیم که بررسی زبانشناختی متن و بررسی متن در سطح گفتمان‌های سازنده و مصرف‌کننده و هم‌چنین بررسی ارتباط گفتمان‌های سازنده متن با شرایط اجتماعی حاکم می‌شوند. یکی از اهدافی که در این رویکرد دنبال می‌شود تحلیل زبان برای آشکارسازی روابط اجتماعی است. طبق این بخش از رویکرد فرکلاف، به بافت اجتماعی در بستر فرهنگی_اجتماعی می‌پردازیم. بر اساس سازوکارهای نظری رویکرد فرکلاف، در این بافت گفتمان سنت‌گرا در دیالوگ‌هایی چون "خوبه دیگه. واسه همینم من تورو می‌خوام دیگه. اینا زن زندگی نمیشن که!" قابل ملاحظه است. تعریف فرهنگی و اجتماعی از زن زندگی در باور سیا به شکل سنتی نهادینه شده است که در تقابل با شیوه زندگی زنان به لحاظ اشتغال و تحصیلات و جایگاه اجتماعی آنان در جوامع کنونی است.

در کافه:

ملی گوشه سیا را برمی‌دارد تا چک کند.

_سیا: چیکار داری می‌کنی؟!

_ملی: همون کاری که تو کردی!

_سیا: من اصلاً ازین شوخیا خوشم نمیاد!

_ملی: بیا مال خودت! ولی دوست نداشتم سرک بکشی تو کیف من.

_سیا: می‌خواستم خیالم راحت شه. وقتی یکیو دوس دارم این شکلی میشم. دست خودم نیست. فوضولیم گل می‌کنه. چیه؟! می‌خوای بهت اهمیت ندم؟!!

در اینجا نیز نمود گفتمان سستی در دیالوگ‌ها مشاهده می‌شود. تفکرات سستی برخاسته از فرهنگ و سنت نمایان است. مشاهده می‌شود که ملی شوخی‌ای با سیا می‌کند اما سیا با خشونت پنهان‌شده پشت شوخی آن را جواب می‌دهد. وقتی ملی تلاش می‌کند تا بازتاب زشتی رفتار سیا را به او نشان دهد، سیا آن را شوخی‌ای برداشت کرده که اصلاً نمی‌پسندد. در واقع او متقابلاً حق انجام این کار ولو به شوخی را برای ملی قائل نمی‌شود. در آخر نیز توجیهی غیرمنطقی برای این رفتار خود آورده و حتی این جریان را طوری به نفع خود تمام می‌کند. در مکالمه‌ی بین ملی و سیا در کافه، پرخاشگری و خشونت در واژگان مورد استفاده توسط سیا که بیانگر قدرت مردان نسبت به زنان است، دیده می‌شود. رفتارهای بعدی او نیز نشانگر قدرت برتر بودن مرد در دیدگاه سستی می‌باشد. در مقابل در دیالوگ‌های ملی ضعف اعتمادبه‌نفس و عدم احساس امنیت که حاکی از نبود قدرت برای اوست، مشاهده می‌شود. فضای سستی حاکم بر فیلم به سیا این اجازه را می‌دهد که به ملی شک کند، او را چک کند اما برای ملی همین حق را قائل نبوده و او می‌بایست به حریم شخصی سیا احترام بگذارد که این امر حاکی از غلبه سنت بر مدرنیته می‌باشد. هم‌چنین هژمونی و تسلط سیا بر ملی و نیز اقتناع او دیده می‌شود. اصطلاح هژمونی ناظر بر این است که در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت. اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هر چند موقت بپذیرد، آن دال هژمونیک می‌شود. هژمونیک شدن دال‌های دیگر به معنای هژمونیک شدن کل نظام معنایی و نهایتاً گفتمان و هویت آن می‌شود، تثبیت موقت هویت‌ها مهم‌ترین کار ویژه هژمونی است. همان طور که مقدمه‌ی (۱۳۹۰) بیان می‌کند، از دیگر کارکردهای هژمونی جایگزینی سلطه به جای زور و عادی و طبیعی جلوه دادن قدرت و مطابق حقیقت نشان دادن آن با واقع است که در این بافت شاهد آن هستیم.

در خانه سیا و ملی:

مادر سیا: یه عمر به خاطر شما سوختم و ساختم. یک هزارم محبتایی که تو به این دختره می‌کنی رو پدر تو به من نکرد! باید می‌ذاشتم می‌رفتم تا زیر شلاق پدرتون له بشین و بمیرین! (با گریه) همتون نمک شناسین! کو قدر فداکاریای من؟! کو قدر زحمتایی که کشیدم؟! کو جوونی تباه شده‌ی من؟! کو؟! عمرمو پای شما گذاشتم! خاک بر سر من! کو جوونی تباه شده‌ی من!؟...

در این بخش گفتمان سنت‌گرا در دیالوگ مادر سیا به خوبی قابل مشاهده است. ایدئولوژی و باورهای مادر سیا که برخاسته از فرهنگ و سنت دیرینه جامعه است. ملی که به خانه برمی‌گردد تا وسایلش را جمع کرده و به خانه پدریش برود، با مادر سیا روبرو می‌شود و از جانب او مورد تحقیر و شماتت قرار می‌گیرد. اما در تمام لحظات سکوت کرده و به حرف‌ها و گلایه‌های مادر سیا گوش می‌دهد. در صحبت‌های مادر سیا ضعف و کمبود اعتمادبه‌نفس برای زن و در واقع نبود قدرت دیده می‌شود و نیز در عمق صحبت‌هایش به سنت‌گرایی حاکم بر فیلم اشاره و تاکید می‌شود.

۲-۴ تقابل گفتمان جنسیت مردانه و زنانه

در ماشین سیا:

__ سیا: ایااا!!!

__ زن راننده: هروووو!

__ سیا: آخه سر خرو کج نکرده بودم که الان بهشت زهرا بودی!

__ زن راننده: ساکت شو بابا!!!

__ سیا: برو بینم پدسگ! شیطونه میگه... من دستم برسه به... (خطاب به ملی) خوبین شما؟ من دستم برسه به اینایی که به اینا گواهی‌نامه میدن...

مطابق دیدگاه فرکلاف، پس از سطح توصیف گفتمان به مثابه ساخت‌های متنی که در دیالوگ‌های بالا می‌بینیم و سپس تفسیر آن‌ها به منزله کردارگفتمانی از منظر جنبه‌های تولید و مصرف متن و محتوای کلام فوق به سطح تبیین یا همان بررسی ساختارهای اجتماعی در خصوص گفتمان موجود در جامعه و قدرت یعنی همان کنش یا کردار اجتماعی می‌رسیم. در این بخش، در دیالوگ‌های سیا، گفتمان جنسیتی که خود معلول و محصول فرهنگ و سنت‌گرایی است، قابل مشاهده است. برخورد سیا با راننده‌ی زن را مشاهده می‌کنیم که کاملاً تحقیرآمیز است. او با این رفتار، به نوعی در چشم ملیحه نیز قدرت‌نمایی می‌کند. تاثیر جنسیت بر قدرت در دیالوگ‌های سیا مشاهده می‌شود. او با پرخاشگری، لحن خشن و سخنان تحقیرآمیزی که در برخورد با زن راننده به زبان می‌آورد، قدرت کلامی خود را آشکار می‌سازد. زیرا اعمالی چون رانندگی برای زنان رایج نبوده و این موضوع نمایانگر تلاش مدرنیته برای غلبه بر

سنت است. در نظام معنایی شکل گرفته در گفتمان جنسیت‌گرا زنان همواره به عنوان افرادی مطیع، وابسته و خدمتگزار برای خانواده تلقی می‌شوند و در مقابل مردان، مستقل و قدرتمندند. در عین حال چهره واقعی مردسالاری هم از نظرها پنهان می‌ماند.

بافت دیگر، باز هم در ماشین سیا:

سیا: حرف شوهر و گوش نمیدن! یکی که میزان ادا اصول شروع میشه. با شوهره دعوا می‌کنن. چمدون رو میذارن دم در خونه. تقاضا طلاق مهریه اجرا خدافظ!!!

ملی: تو خانواده ما ته درس واسه دختر دیپلمه!

ملی با دیدن دانش‌آموزان دختر به حالشان غبطه خورده و آرزو می‌کند کاش جای آنان بود. در مقابل سیا با دید سنتی و متعصب به قضیه نگاه کرده و این آینده را برای زنان مناسب نمی‌داند چراکه در ذهن او زنان دارای این امکانات، افرادی متوقع و یاغی می‌شوند. او از اینکه دست ملی از این امکانات کوتاه است، بسیار خرسند و راضی است! در این بخش، در مکالمه‌ی بین سیا و ملی فضای سنتی غالب بر مدرنیته و متعاقباً ایدئولوژی سنتی حاکی از این فضا را مشاهده می‌کنیم که تحصیلات و داشتن شغل برای زنان را جایز نمی‌شمارد و مسئله‌ی طلاق را امری نابه‌حق و نادرست برای زنان می‌داند. هم‌چنین در عمق این مکالمات غلبه‌ی قدرت مردان بر زنان، هژمونی و اقتناع ملی توسط سیا نیز مشاهده می‌شود. فرکلاف (۱۹۹۵: ۱۴) ایدئولوژی را ساخت‌های معنایی می‌داند که در تولید و تغییر روابط نابرابر قدرت نقش دارند. در نتیجه معنا در فهم ایدئولوژی اهمیت بسیار دارد. زیرا معنا در خدمت قدرت است. بنابراین مطابق اهداف تحلیل‌گران انتقادی گفتمان سعی بر آن است تا با تحقیق روی سازوکارهای ایدئولوژیکی که باعث پنهان شدن چهره‌ی حقیقت می‌شوند، پرده از روی حقیقت برداشت و باورها و سنت و ایدئولوژی پنهان را بیش از پیش آشکار کرد. از جمله همین نکاتی که در این بافت قابل گردید. مثلاً این دیالوگ ملی که می‌گوید: "تو خانواده ما ته درس واسه دختر دیپلمه!" که گفتمان جنسیت زده دیده می‌شود. در این گفتمان نشان داده شده که افکار عمومی چنین معنایی را حول دال زن پذیرفته اند. در افکار عمومی این گونه پذیرفته شده که تحصیل زنان را به راحتی بتوان محدود کرد. لذا این هژمونی هم در این گفتمان قابل تأمل است.

در خانه پدری ملی:

_مراد: چیکار کردی که زدت؟! این حتماً یه غلطی کرده دیگه!

مادر ملی: بابا ننش نبودن؟!

_ملی: بسه دیگه! من از دست شماها فرار کردم به سیا پناه بردم فک کردم با سیا دیگه کلفت این خونه نیستم. دیگه لازم نیست واسه هر چیز کوچیکی اجازه بگیرم ازتون. یجوری اعتمادبه نفس منو کشته بودین فک کردم یه نفر ازم خاستگاری کرده چه تاج بزرگی زده سرم. می خواستم خانوم خونه خودم باشم!

زبان به مثابه ابزاری تنیده در روابط قدرت که توانسته است کنش اجتماعی منفی را در رابطه خانوادگی به بار آورد. ملی که از سیا کتک خورده و زخمی است به کمک نیر برای فرار از موقعیت متشنج حاکم بر خانه‌ی خود به خانه‌ی پدریش پناه می‌برد. غافل از اینکه در آن‌جا نیز فضا برایش تنش‌زاست و توسط خانواده‌اش مورد بازخواست و سرزنش قرار می‌گیرد. در نهایت در صحبت‌های ملی ندامت و ناامیدی از زندگی مشترکش با سیا و نیز درماندگی‌اش از قضاوت‌های گاه و بی‌گاه خانواده‌اش به خوبی قابل مشاهده است. در این بخش، در صحبت‌ها، تفکرات سنتی مشاهده می‌شود به طور مثال سراغ گرفتن مادر ملی از حضور یا عدم حضور پدر و مادر سیا هنگام ضرب و شتم ملی برآمده از دیدگاه سنتی پادرمیانی بزرگترها در این‌گونه موارد می‌باشد. او با پرسیدن این سوال به مهم بودن نقش پدر و مادر و به ویژه مردان تاکید می‌کند. هم‌چنین در صحبت‌های ملی ضعف و عدم اعتماد به نفس و در واقع نبود قدرت (مثلاً این که مجبور است برای هر کار کوچکی اجازه بگیرد) و در مقابل بروز قدرت برای سیا، و نیز سلطه و هژمونی در رفتارهای خانواده ملی که منجر به انتخاب اشتباه او برای ازدواج گشته، پیداست. گفتمان جنسیتی و کلاً مقوله جنسیت حاصل روابط اجتماعی افراد بوده و به جنبه فرهنگی جنس زن و مرد مرتبط است. افراد جامعه خواه جنس زن یا مرد با توجه به فرهنگ مسلط اجتماعی، الگوهای رفتاری معینی را در پیش گرفته و در جامعه رواج می‌دهند که عوامل ایدئولوژیک و زیربنای فکری جامعه و همین‌طور روابط پیچیده قدرت، نقش تعیین کننده‌ای را در این خصوص ایفا می‌کند.

۳-۴ تلاش برای غلبه مدرنیته بر سنت گرایی

در منزل پدری ملی:

_مراد: (خطاب به محمود): تو چرا عین زنها بغض کردی؟! خبر مرگش برو صدایش کن بیاد بینم چه مرگشه! پاشو.

_پدر ملی: کفر نگو حرفای بزرگتر از دهنتم زن!

_ملی: هر جور حرف زدم تهش کتک بود! بذارید یخورده گنده‌تر از دهنم حرف بزنم شاید یه طوری شد! حالم بده مراد! به جای این همه نصیحت و توهین بذار حرفمو بزنم. بذار خودمو خالی کنم. بیا یکم بغلم کن. لازم کن. میشه مته بچگیامون دردونه صدام کنی!؟

_مادر ملی: چند وقت دیگه عقدکنون داداشته! میخوای مردم پشت سرمون صفحه بذارن بگن دامادشون زندانه؟!؟

_مراد: طلاق تو گرفتی بعدش چی؟!؟

_محمود: برمی‌گرده اینجا زندگیشو می‌کنه!

_مادر ملی: (خطاب به ملی) ما تا حالا هیچوقت تو خونوادمون طلاق نداشتیم. رسواییه!

_محمود: از یه جا بالاخره شروع میشه!

در این بخش، فیلم در تلاش است تا گفتمان سنت‌گرا را به حاشیه رانده و به تثبیت گفتمان تجددگرا پردازد. مکالمه بین محمود و مراد این امر را نشان می‌دهد. وجود برادر کوچکتر ملی در حقیقت روزه‌ای است برای به نمایش کشیدن مدرنیته و در واقع تلاش مدرنیته برای غلبه بر سنت‌گرایی حاکم بر فضا. ملی در خانه‌ی پدریش در حال بحث با اعضای خانواده‌اش پیرامون رضایت‌دادن جهت آزادی سیا از زندان و طلاق گرفتنش از اوست. در ابتدای صحبت‌ها اعضای خانواده‌اش به جز برادر کوچکترش سعی در اجبار و تهدید او برای جلب رضایتش دارند اما در روند مکالمات کم‌کم نرمی و انعطاف آن‌ها جهت اطمینان خاطر و جلب اعتماد ملی مشاهده می‌شود و نهایتاً به او قول می‌دهند که در صورت بروز مجدد مشکل، تمام و کمال از او حمایت کنند و این‌گونه ملی را متقاعد می‌کنند که رضایت دهد و او نیز قبول می‌کند. هم‌چنین درخواست ملی مبنی بر طلاق نیز نوعی سنت‌شکنی است که نمایانگر تلاش مدرنیته برای غلبه بر سنت‌گرایی حاکم است.

۴-۴ استمرار سنت‌گرایی افراطی و پیامدهای آن

حادثه انتهای فیلم:

ملی به همراه نیر و مسعود به مناسبت تولد او به رستورانی سلف سرویس می‌روند. نیر و مسعود می‌روند که غذا بکشند ملی پشت میز می‌نشیند. در همین لحظه سیا وارد رستوران می‌شود تا مطمئن شود ملی به او دروغ نگفته است که صدای صحبت مردی را می‌شنود. برمی‌گردد و آن‌ها را می‌بیند. ملی با ترس می‌گوید که او اشتباه می‌کند و می‌خواهد توضیح دهد. اما برای چندمین بار بخاطر نیر به دردسر می‌افتد! سیا او را به زور می‌برد! ملی فرار می‌کند. سعی می‌کند با آقای رئیسی، مشاورش، تماس بگیرد. برادرش محمود با او تماس می‌گیرد ولی مراد گوشی را از او می‌گیرد و می‌گوید: ملی جان منم مراد. چی شده بازم کتکت زده؟ دردونه این دفعه مثل کوه پشتت وایمیسم! (ملی بیشتر گریه می‌کند) قول میدم! هرجا هسی بگو پیام دنبالت.

_ملی: داداش خیلی دیر شده دیگه (با گریه).

_مراد: جبران می‌کنم تو فقط بگو کجایی (ملی تلفن را قطع می‌کند).

آقای رئیسی با او تماس می‌گیرد و از او می‌خواهد که برایش تعریف کند که چه اتفاقی افتاد و بگوید کجاست تا به او کمک برساند اما ملی به او می‌گوید که دیگر کمک نمی‌خواهد و قرص خورده است (اقدام به خودکشی کرده است!). در این‌جا گفتمان سنت گرا از سطح کلام نیز فراتر رفته و در رفتار و عملکرد سیا تعصبات سنتی و کورکورانه به خوبی قابل مشاهده است. او این بار ملی را مورد ضرب و شتم قرار داده و او را به حال خود رها می‌کند و از آن‌جا فرار می‌کند. تعقیب ملی توسط سیا به علت مشکوک بودن به او و چک کردنش، دیده می‌شود که بیانگر فضای سنتی حاکم بر فیلم می‌باشد. هم‌چنین در عکس‌العمل سیا نسبت به اتفاقات پیش‌آمده در رستوران و نیز کلام ملی که عاری از هرگونه احساس اعتماد به نفس و امنیت می‌باشد، می‌توان به ضعف ملی و قدرت سیا پی برد. صحبت‌های ملی با مشاورش، آقای رئیسی، در این سکانس و به طور کلی دیگر سکانس‌های فیلم، بیانگر تلاش مدرنیته برای غلبه بر سنت‌گرایی است. اما در حقیقت شاهد استمرار سنت‌گرایی افراطی شامل خشونت فیزیکی، ربودن ملی و تهدید و ضرب و شتم او هستیم که در نهایت به پیامدی ناخوشایند منتهی می‌شود. در واقع، اقدام ملی به خودکشی نمایانگر ضعف و عدم اعتمادبه‌نفس و احساس امنیت و متعاقباً نبود قدرت برای او است.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی تاثیر جنسیت در روابط قدرت از دیدگاه فرکلاف در فیلم "ملی و راه‌های نرفته‌اش" پرداخته شد. گفتار شخصیت‌های فیلم به طور کامل تحلیل و بررسی شد. برای این کار، داده‌ها بر اساس درون مایه‌های اصلی فیلم به صورت موضوعی پیکره‌بندی شد. این پیکره‌بندی بر اساس چهار مولفه طراحی گردید و سپس گفتار افراد با استناد به سازوکارهای نظری رویکرد فرکلاف تحلیل شد. چهار مولفه مد نظر عبارت بودند از ۱- تقابل گفتمان سنتی و مدرن ۲- تقابل گفتمان جنسیت مردانه و زنانه ۳- تلاش برای غلبه مدرنیته بر سنت‌گرایی و ۴- استمرار سنت‌گرایی افراطی و پیامدهای آن. نتایج حاصل نشان داد که شخصیت‌های فیلم بر اساس تحکم و انعطاف موجود در گفتار از طریق رفتارهای پرخاشگرایانه، لحن‌های خشونت‌آمیز و یا در شرایط عدم اعتماد به نفس و احساس عدم امنیت، قدرت یا ضعف کلامی خود را آشکار می‌سازند. همان‌طور که در جریان فیلم مشاهده شد، پرخاشگری و لحن خشن در دیالوگ شخصیت‌ها دیده می‌شود و در مقابل ضعف و نرمی و نیز احساس ترس و عدم اعتماد به نفس مشاهده می‌شود که برخورد دسته‌ی اول بیانگر مولفه‌ی قدرت و عملکرد دسته‌ی دوم بری از آن است. باتوجه به تعصبات حاکم بر خانواده و سنت-گرایی موجود و استراتژی‌های کلامی شخصیت‌های فیلم، می‌توان دریافت که جنسیت گفتمانی بر قدرت زبانی اثرگذار است و قدرت کلامی اکثراً در دیالوگ‌های شخصیت‌های مرد دیده می‌شود. شخصیت مرد (سیا) با تسلط بر شخصیت‌های زن (ملی و زن راننده) و ایدئولوژی‌های برخاسته از فرهنگ و سنت، قدرت موجود برای مردان در تفکر سنتی را به نمایش گذاشته و در مقابل ضعف و عدم اعتماد به نفس و احساس امنیت برای شخصیت‌های زن فیلم روشنگر نبود قدرت برای زنان می‌باشد. این پژوهش، گفتمان حاکم و غالب مردانه را با مناسبات قدرت به گونه‌ای تبیین می‌نماید که سعی دارد زبان و صدای زنانه را تحت سیطره خود درآورد.

این فیلم نشان می‌دهد که سیا صرفاً به دلیل مرد بودن به خود اجازه می‌دهد تا شخصیت ملی را تحقیر کرده و به او ناسزا بگوید. به واقع گفتمان او، گفتمان سلطه و قدرت است. گفتمان سیا در هیأت جنس مذکر نشان می‌دهد، لحن‌های خشونت‌آمیز در چالش‌های گفتمانی موجود توانسته است به نوعی تثبیت‌کننده قدرت و اقتدار عملی باشد. موقعیت‌های مختلف فیلم، بیانگر این واقیت است که قدرت هم به تولید معنا می‌پردازد و هم با به کارگیری ابزارهای انقیاد، دشمن و طرف مقابل خود را حذف

می‌کند. به استناد به همین ساز و کار است که قدرت با تأثیرپذیری از جنسیت، اقدام به تولید اجماع کرده و آن را هژمونیک می‌کند که در بیشتر سکانس‌ها قابل مشاهده است. به بیانی دیگر، گفتمان جنسیت‌زده تحت تاثیر سنت‌گرایی افراطی به صورت شبکه‌های هژمونی‌شده برای سوژه‌های مذکر فیلم به خوبی نمایان است. نتایج حاکی از آن است که بررسی این فیلم فرصتی مناسب برای ورود به لایه‌های درونی‌تر مشکلات زنان در نظام معنایی سنت‌گرا را فراهم آورد و با تصویرسازی از روزمره‌ترین مناسبات اجتماعی و خانوادگی این مشکلات را هر چه بیشتر بازنمایی می‌کند. این فیلم نشان می‌دهد که زنان افرادی فرمان‌پذیر بوده که با فقدان استقلال و آزادی عجین شده و فاقد اراده هستند. اما مردان دارای اراده و استقلال بوده و با آزادی عمل و اقتدار پیوند خورده‌اند. بررسی فیلم نشان می‌دهد که چگونه شیوه‌ی بیان گفتار شخصیت‌های مذکر فیلم در بافت‌های خانوادگی و اجتماعی مختلف، توانسته‌است نقش تثبیت‌کننده جایگاه قدرت را ایفا کند. در واقع با توجه به رفتارهای زبانی و ایدئولوژی و هژمونی شخصیت‌های این فیلم وجود قدرت زبانی برای مردان و نبود قدرت برای زنان تجلی می‌یابد. در واقع، بستری وجود دارد که بستر اجتماعی جامعه و خانواده سنتی است. این بستر، در حال گذر به جامعه مدرن است و این مناسبات قدرت را به چالش می‌کشد و نقش جنسیت را در بافت‌های مختلف آن‌گونه که هست به نمایش می‌گذارد. اما این گذر با آهنگی آرام اتفاق می‌افتد و کندتر از اتفاق تلخ پایانی است.

منابع

جعفری، طلایه (۱۳۹۴) بررسی شیوه‌های اقناع در تبلیغات روزنامه‌ای ایران با توجه به متغیر جنسیت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی.

سلیمی، علی، تورج زینی‌وند، وحید سبزیان‌پور و عباس کریمی (۱۴۰۰)، "بررسی گفتمان اجتماعی زنان در رمان رائجة الورد و انوف لا تشم و این خیابان سرعت گیر ندارد (واکاوی براساس گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف)"، کاوشنامه ادبیات تطبیقی، شماره ۴، صص ۱۳۶-

۱۰۹.

-سیمین فر، سارا، سپیده صفیه نواب زاده شفیع و صدیقه شرکت مقدم (۱۴۰۰)، "تحلیل گفتمان انتقادی شما که غریبه نیستید براساس رویکرد نورمن فرکلاف"، پژوهشنامه ادبیات داستانی، شماره ۲، صص ۴۰-۲۱.

-طالیان، یحیی، علی تسنیمی و احمدرضا بیابانی (۱۳۹۵)، "بررسی زبان نوشتاری بر اساس نظریه گفتمان جنسیتی"، فصلنامه "مطالعات نظریه و انواع ادبی"، ص ۱۸.

-کاظمی، فروغ و امینه سلمانی سیاه بلاش (۱۳۹۵)، بررسی کارکرد سطوح تحلیل در رویکرد انتقادی به تحلیل گفتمان: مطالعه موردی فیلم *جدایی نادر از سیمین*، دو ماهنامه علمی-پژوهشی جستارهای زبانی، دوره ۷ شماره ۴ (پیاپی ۳۲).

-کاظمی، پریسا (۱۴۰۰)، "تحلیل انتقادی گفتمان مجموعه اشعار "الحیب الافتراضی" غاده السمان بر اساس الگوی نورمن فرکلاف"، زبان و ادبیات عربی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد)، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۸۳-۶۳.

- کاظمی، فروغ و روشنایی فرد جهرمی، اعظم (۱۳۹۵)، *منازعات معنایی در گفتمانها با نگاهی به فیلم زن زیادی*، تهران: نشر آرون.

لوزیک، دانیلین (۱۳۹۱)، *مشخصات نگارشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی*، ترجمه سعید معیدفر، تهران: انتشارات امیرکبیر.

-مدرسی، یحیی (۱۳۶۸)، *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مقدمی، محمدتقی (۱۳۹۰)، "نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موف و نقد آن"، معرفت فرهنگی اجتماعی، شماره ۶، صص ۹۱-۱۲۴.

-یورگسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.

-Baker, P. & Ellece, S. (2011). *Key terms in discourse analysis*. London & New York: Continuum.

-Bloomaert, Jan (2005), *Discourse: A Critical Introduction*, Cambridge and New York: C

Devos, P. (2003). *Discourse Theory and The Study of Ideological (Transformation: Analyzing Social Democratic Revisionism*. In *Journal of Pragmatics*, 13 (1): ۱۸۰-۱۶۳.

Fairclough, N. (1995) *Critical Discourse Analysis*, London, Longman, Cambridge University Press.

-Fairclough, Norman (2005), *Critical Discourse Analysis in Transdisciplinary Research*, In Ruth Wodak, and Paul Chilton (Ed). *A New Agenda in (Critical) Discourse Analysis*, Amsterdam/ Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.

-Fairclough N. (2001), *Language and Power*, Second edition. England Pearson, Education Limited.

-Harris, Z. (1952), " Discourse Analysis: A sample text". *Language* ۲۸:۴, ۴۷۴- ۴۹۴.

-John Achilleus M. Benonguil (2022), "Sexual Objectification of Women in Alcohol Print Advertisements in the Philippines", *American Journal of Interdisciplinary Research and Innovation (AJIRI)*, Volume 1 Issue 2, pp ۶۷-۷۰.

-Jorgensen M. & Phillips L. (2002), *Discourse Analysis, Theory and Method*, London, UK: Sage Publications.

Kazemi, F. & Dalae, Sh. (2017). "the study of gender discourse in Zoya Pirzad novels, *Journal of Advances in Linguistics*, 8 (1), ۱۲۲۵-۱۲۲۸.

Kazemi, F. and Jafari, T. (2016). "Persuasion Language in Iranian Newspaper Ads", *Advances in Linguistics*, Vol. 6, No 2.

-Laclau, E. (2006), "Ideology and Post-Marxism ". *Journal of Political Ideologies*. June.

-Nafiah, Homsatun & Gusti Ayu Praminatih (2020), " A Critical Discourse Analysis of Sexual Harassment Against Women in Online Mass Media", *Journal of Arts and Humanities*, Vol 26.2, May 2022, pp 198-205.

-Sabir Maryam, Ayesha Rauf & Ezzah Khalid. (2023), "Norman Fairclough's Model as a Research Tool in the Critical Discourse Analysis of Poem 'If You Want to Know Me '", *Journal of Linguistics, Language Planning and Policy*, March 2023 Vol 2, Issue 1.

-Seban, Demet (2022), "Critical discourse analysis of preservice elementary teachers' literacy pasts", *Teaching and Teacher Education*, Volume 116, August 2022, 103743.

-Van Dijk, T. (1997), "Discourse Studies, a Multidisciplinary Introduction", vol. 7, London: Sage, P. 144-154.

-Van Dijk, T. (1993), "principles of critical Discourse Analysis", *Special issue of Discourse & society*, No.2, pp.249-83.

-Woodak, R. (1989), *Language, Power and Ideology, Studies in Political Discourse*, John Benjamin's Publication.

سایت‌ها:

"بازتاب سیمای زن در ضرب‌المثل‌های عربی مردم خوزستان: رویکرد "تحلیل گفتمان انتقادی" / <https://elmnet.ir/article/> ۱۴۰۱/فرکلاف"

-<https://public-psychology.ir/1392/08/3716/جنسیت/۲۰۲۲>.

-scholar.google.com.

-www.noormags.ir.

-www.sid.ir.

Critical Discourse Analysis of the Film "Untaken Paths": The Study of the Effect of Gender on Power Relation from Fairclough's approach:

This essay is done by the purpose of the critical analysis of the film "Untaken Paths" from Fairclough's approach, using a descriptive-analytical method, aims to investigate how power manifests in dialogues of characters, the effect of gender on power, and the emergence and impact of traditional thoughts and ignorant prejudices on them based on the dominance in words and flexibility in speech through aggressive behaviors, violent tones, or in conditions of lack of self-confidence and a feeling of insecurity, they reveal their strength or weakness, verbally. According to prevailing prejudices in the family, the existing traditionalism and the verbal strategies of the characters in the film, discourse gender affects language power. Also, according to language behaviors, ideology and gender perspective of characters of film, derived from their gender, language power is manifested for men and lack of power for women. Fairclough considers language and ideology together as a tool for critical discourse analysis. Analysis according to his point of view, shows how the discourse of the male characters in different family and social contexts has been able to play the role of stabilizing the position of power. This research explains the ruling and dominant discourse of men with power relations in a way that tries to dominate women's language and voice. Among these, there is a social platform of traditional society and family which is transitioning to the modern society and challenges these power relations. Finally, this debate leads to the formation of what researchers have reached in the article.

Keywords: Critical Discourse Analysis, Power, Gender, Fairclough's approach, the film "Untaken Path".